

درس دهم
«قائن و هابیل»
«راه قربانی»
پیدایش ۴

سلام بر شما شنوندگان عزیز، در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود مقرر کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید و تا ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحال هستیم که امروز می‌توانیم برنامه طریق عدالت، را تقدیم و گزارش شما کنیم. جلسه گذشته در مطالعه تورات دیدم که بعد از آنکه آدم و حوا مرتکب گناه شدند، خدا نقشه خود را برای جهان اعلام کرد، نقشه‌ای که طی آن او کسی را به این جهان می‌فرستاد تا بنی‌آدم را از قدرت شیطان و گناه و جهنم نجات دهد. همچنین دیدیم که خدا لباسهایی را که آدم و حوا از برگها برای خود تهیه کرده بودند نپذیرفت. خدا می‌خواست به آنها بیاموزد که گنهکاران نمی‌توانند شرمندگی خود را در حضور خداوند قدوس، که باید آنها را داوری می‌کرد، مخفی کنند. تنها خدا قادر است گنهکاران از گناهانشان نجات دهد. بنابراین دیدیم که چگونه خدا حیوانات را قربانی کرد، و از پوست آنها برای آدم و حوا لباس تهیه کرد. خدا اولین خون قربانی را ریخت. همچنین خواندیم که خدا اعلام کرد دو دسته انسان بر روی زمین وجود خواهد داشت آنانی که از ایمان به کلام خدا سرباز می‌زنند و کسانی که به او ایمان دارند.

امروز در مورد دوپسر اول آدم و حوا مطالبی خواهیم آموخت. قائن، که از ایمان به خدا امتناع کرد و هابیل که به خدا ایمان داشت. همانطور که دیدیم، اکنون آدم و حوا در خارج از باغ عدن زندگی می‌کردند. خدا، به دلیل تخطی آنها، آنها را بیرون کرد. آنها به دلیل گناهی که مرتکب شده بودند، نتوانستند برای مدت زیادی در برکات باغ عدن زندگی کنند. گناه آنها باعث خراب شدن رابطه آنها با خدا شد. اما با این وجود، خدا آنها را دوست داشت و از آنها مراقبت می‌کرد.

پس اکنون بیایید با هم ، باب چهار از کتاب پیدایش را بخوانیم، کتاب مقدس می‌فرماید: «و آدم، زن خود حوا را بشناخت و او حامله شده، قائن را زایید و گفت: "مردی از یهوه حاصل نمودم." و بار دیگر برادر او هابیل را زایید. و هابیل گله‌بان بود و قائن کارکن زمین بود.» (پیدایش ۴: ۱و۲)

آدم و حوا، ۲ پسر به نامهای قائن و هابیل به دنیا آوردند. آنها مانند والدین خود گناهکار بودند. گناه آدم همانند یک بیماری واگیردار به فرزندان سرایت کرد. قائن و هابیل در گناه آبستن شدند، بنابراین کتاب مقدس می‌گوید: «آدم پسری به شبیه و بصورت خود آورد.» (پیدایش ۳: ۵) قائن و هابیل با طبیعتی گناه‌آلود به دنیا آمدند. بچه‌ها از لحاظ جسمی رشد کردند و بالغ شدند. قائن کشاورز شد. او یک کارگر جدی بود و از کار سخت

نمی‌هراسید. هابیل، چوپان بود، هر دو در مورد خدا می‌دانستند. آنها می‌دانستند که خدا وجود دارد و قدوس است و از گناه متنفر. هر دو نیز مسلماً می‌دانستند که تنها از طریق آنچه خدا مقرر کرده یعنی ریختن خون یک قربانی می‌توانند به خدا نزدیک شوند.

روزی قائن و هابیل تصمیم گرفتند خدا را پرستش کنند و قربانی‌ای به او تقدیم کنند! از این رو کتاب مقدس می‌گوید:

«و بعد از مرور ایام، واقع شد که قائن هدیه‌ای از محصول زمین برای خداوند آورد. و هابیل نیز از نخست زادگان گله خویش و پیه آنها هدیه‌ای آورد و خدا هابیل و هدیه او را منظور داشت اما قائن و هدیه او را منظور نداشت. پس خشم قائن به شدت افروخته شده، سر خود را بزیر افکند.» (پیدایش ۴: ۳ و ۵)

بیانید آنچه را که اتفاق افتاد بررسی کنیم. دو نفر می‌خواستند خدا را پرستش کنند. هر دو قربانی‌هایی را به خدا هدیه کردند. اما کتاب مقدس می‌گوید: «خدا هابیل و هدیه او را منظور داشت اما قائن و هدیه او را منظور نداشت.» چرا خدا قربانی هابیل را پذیرفت اما قربانی قائن را رد کرد؟ چه تفاوتی بین دو قربانی وجود داشت؟ در حقیقت، قربانی قائن با قربانی هابیل بسیار فرق داشت. قائن برای خدا سبزیجات زیبا و میوه‌های خوشمزه‌ای آورده بود. اما هابیل، خون بره‌ای بی‌عیب و نقص برای خدا آورد. خدا گناه هابیل را بخشید اما گناه قائن را نبخشید.

چرا خدا گناهان هابیل را که برای او خون بره آورده بود بخشید اما گناهان قائن را که برای او سبزیجات و میوه آورده بود، نبخشید؟ آیا علت این بود که خدا میوه و سبزیجات دوست نداشت؟ خیر، دلیلش این نیست! پس چرا خدا، هابیل عادل بر شمرد ولی قائن را در گناهش ترک کرد؟ دلیلش این است که: هابیل قربانی را که خدا می‌خواست آورده بود اما قائن چیز دیگری آورده بود. خدا چه چیزی می‌خواست تا بتواند بدون اینکه عدالت خود را نادیده انگارد گناهان آنها را ببخشد؟ او خون، جان، یک حیوان بی‌عیب را می‌خواست. هابیل به خدا ایمان داشت و همانطور که خدا خواسته بود به او خون قربانی تقدیم کرد. بنابراین کتاب مقدس می‌گوید: «به ایمان هابیل قربانی نیکوتر از قائن را به خدا گذرانید و به سبب آن شهادت داده شد که عادل است، به آنکه خدا به هدایای او شهادت می‌دهد.» (عبرانیان ۱۱: ۴) هابیل به خدا ایمان داشت اما قائن به خدا ایمان نداشت.

ایمان به خدا به چه معنی است؟ ایمان به خدا یعنی اعتماد داشتن به او تا جایی که از کلامش اطاعت شود. ایمان به خدا یعنی پذیرش آنچه که خدا در قالب حقیقت بیان کرده است. اگر شما بگوئید «من به خدا ایمان دارم» ولی به آنچه خدا در کتاب مقدس می‌گوید اعتقاد نداشته باشید، در واقع شما به خدا ایمان ندارید. خدا و کلامش یکی هستند. اگر به خدا ایمان دارید باید به کلام او اعتقاد داشته باشید و از آن اطاعت کنید. اگر به آنچه که خدا می‌گوید، اعتقاد نداشته باشید در واقع خود خدا را رد کرده‌اید.

خدا هابیل را پذیرفت زیرا، او به کلام خدا ایمان داشت و همانطور که خدا امر فرموده بود با خون بره آمد. خدا، قائن را نپذیرفت زیرا او صادقانه به کلام خدا ایمان نداشت. قائن ادعا می‌کرد که به خدا ایمان دارد اما عمل او در واقع حرف او را نقض کرد زیرا آنطور که خدا دستور داده بود، با خون یک قربانی نیامد. ممکن است بعضیها بپرسند «چرا خدا دستور داد تا یک حیوان را قربانی کنند؟» چرا خدا گفت: «بدون ریختن خون، هیچ آمرزش گناه نیست.» علت اینست که: شریعت مقدس خدا اعلام می‌کند که مزد (کفاره، جریمه) گناه، موت است! و به همین دلیل باید خون ریخته شود. خدا نگفت: «می‌توان جریمه گناه را با میوه و سبزیجات پرداخت.» و همچنین نگفته است «جریمه گناه، پرستش و روزه و انجام کارهای خوب است.» خیر! آنچه که خدا قدوس گفته است این است که: مزد گناه، موت است!

خدا در نوشته‌های انبیاء به ما نشان می‌دهد که هر شخصی و هر فرزندی از آدم، گنهکار محسوب می‌شود و هر گنهکار به خدای قدوس بدهکار است. هر گنهکاری باید بمیرد و کفاره گناه خود را در جهنم، تا ابد بپردازد. کفاره گناه آنقدر زیاد است که شما نمی‌توانید به اندازه کافی اعمال نیک انجام دهید تا به واسطه آن، کفاره گناه خود را به خدا بپردازید. جریمه گناه، مرگ و جهنم است، اعمال نیک نمی‌تواند کفاره آن را بپردازد!

اجازه دهید این موضوع را کمی بیشتر شرح دهیم. تصور کنید که من، مقدار زیادی پول به یک نفر بدهکار هستم. نزد او می‌روم و می‌گویم، «می‌دانم که مقدار زیادی پول به شما بدهکار هستم. اما الان هیچ پولی ندارم و نمی‌توانم قرض خود را با پول پرداخت کنم. اما برای پرداخت آن، پیشنهادی دارم. پیشنهاد من اینست: هر روز، ایوان منزل شما را جارو می‌زنم. بنابراین به این ترتیب من آنقدر برای شما کار خواهم کرد تا بدهی خود را تسویه کنم.» طلبکار در جواب پیشنهاد من چه خواهد گفت؟ شاید عصبانی شود، یا به من بخندد، اما آنچه مسلم است، این است که پیشنهاد من را نمی‌پذیرد! چرا او پیشنهاد من را نمی‌پذیرد؟ زیرا راهی وجود ندارد که من از طریق "اعمال نیک" ناچیزی که انجام می‌دهم بتوانم بدهی هنگفت خود را بپردازم.

به همین ترتیب، هیچ شخصی نمی‌تواند با اعمال نیک بدهی خود را کامل بپردازد. نه پول و نه اعمال نیک، بلکه فقط مرگ است که می‌تواند به عنوان جریمه گناه پرداخت شود. تاوان گناه، فقط مرگ و داوری است. در نتیجه، خدا نمی‌توانست از بدهی قائن و هابیل صرفاً به خاطر اعمالی که حاصل دسترنج آنها بود، چشم‌پوشی کند. بلکه، طبق نقشه خدا، کفاره گناه آنها تنها از طریق خون یک قربانی تسویه می‌شد و یک بی‌گناه باید به جای شخص گناهکار می‌مرد.

بخشش گناه، بر حسب نقشه انسان نیست، بلکه این کار توسط نقشه خدا عملی است. خدا بر حسب عمل جایگزینی قربانی، در آمرزش و نجات را بر روی فرزندان آدم گشود. خدا در روزگار اولیه فرمان داد، که هر گنهکاری باید یک حیوان بی‌عیب تقدیم کند و آن را بکشد. بدین ترتیب، یک حیوان بی‌گناه باید به جای شخص گنهکار می‌مرد. خدا به خاطر خون قربانی می‌توانست نسبت به فرزندان آدم صبور بوده و برای مدتی گناهان آنها را

بپوشاند. اما خون حیوانات قادر نبود بدهی گناه بشر را بپردازد، زیرا ارزش یک حیوان با انسان برابر نیست. به همین دلیل کتاب مقدس می‌گوید؛ حیوانی که قربانی می‌شود «تنها سایهٔ نعمتهای آینه‌ای است، نه نفس صورت آن چیزها... زیرا محال است که خون (حیوانات) رفع گناهان را بکند.» (عبرانیان ۱۰:۱ و ۷)

بنابراین نکته بسیار مهمی که باید در مورد قربانی کردن حیوانات به خاطر بسپاریم این است که آنها تصویری از نجات دهنده هستند، کسی که به منظور پرداخت کفارهٔ گناه فرزندان آدم به این جهان آمد. نجات دهنده‌ای که خدا وعدهٔ ظهور او را داده بود می‌مرد «یک بار برای گناهان، یعنی عادلانه برای ظالمان، تا (آنها) را نزد خدا بیاورد.» (اول پطرس ۱:۱۸) همانطور که در انجیل مکتوب است: «جميع انبياء بر او (نجات دهنده) شهادت می‌دهند که هر که بر وی ایمان آورد، به اسم او آمرزش گناهان را خواهد یافت.» (اعمال ۱۰:۴۳)

با این وجود، در نسلهای گذشته، لازمهٔ نقشه نجات خدا، قربانی کردن حیوانات بود. اما قائلان، نقشه خدا را نادیده گرفت و از طریق یک مذهب خود ساخته اقدام کرد. و بدین ترتیب قائلان اولین مذهب دروغین را ایجاد کرد. او برای خدا از دست رنج خود آورده بود و از آنچه زراعت کرده بود برای خدا قربانی کرد، محصول زراعت او از زمین ملعون بود و هیچ خونی نداشت، آیا خدا این قربانی عاری از خون را پذیرفت؟ خیر، خدا آن را نپذیرفت. اما هابیل، او بره ذبح نشده و بی‌عیبی را برای خدا آورد تا خودش ریخته شود، سپس او را سوزاند. بعد از آن قربانی هابیل وجدان شفافی در حضور خدا داشت. او فهمید که به خودی خود مستحق مرگ بود اما برهٔ بی‌گناه به جای او مرد. بنابراین، هابیل شهادت داد به ایمان به نجات دهنده‌ای که به جهان می‌آمد تا به جای گناهکاران بمیرد و مجازات گناه آنها را به گردن بگیرد.

می‌خواهیم داستان امروز را با طرح یک پرسش بسیار مهم، خلاصه کنیم. چرا خدا قربانی قائلان را نپذیرفت؟ آیا قائلان گناهکارتر از هابیل بود؟ دلیل این نیست، هر دوی آنها گناهکار بودند و هر دوی آنها برای خدا قربانی دادند. قائلان شخص مذهبی بود. در ظاهر، شاید بگوئیم که قربانی قائلان مناسب‌تر از قربانی هابیل بود. سبزیجات و میوه‌ها بسیار زیبا هستند اما ذبح یک بره و خون او، منظرهٔ خوشایندی نیست! اما، گناه در حضور خدا، چیز ناخوشایندی است و خدا راه آمرزشی مقرر کرده است، و اعلام می‌کند که «بدون ریختن خون، هیچ آمرزشی در گناه نیست!» بنابراین خدا، قائلان و قربانیشان را رد کرد زیرا قائلان به راه عادلانه نجات خدا احترام نگذاشت.

هیچ‌کس نمی‌تواند به حضور خدا برود مگر توسط طریق عادلانه‌ای که خدا مقرر کرده است! طریق خدا کامل و دقیق است! و مثل ریاضیات می‌باشد. اگر در مدرسه، معلم از شاگرد پرسد؛ دو بعلاوه دو چند می‌شود؟ تنها یک جواب صحیح وجود دارد. دو بعلاوه دو برابر است با چهار. اگر جواب دانش‌آموزی که سه باشد، آن جواب غلط است. همچنین کسی که می‌گوید چهار، پاسخ اشتباهی می‌دهد. و نیز شخصی که می‌گوید چهار و نیم، باز هم غلط است. دو بعلاوه دو برابر است با چهار! و این مسئله مثل طریق نجاتی است که خدا مقرر کرده است. تنها یک

خدا وجود دارد و نیز تنها یک راه برای گنهکاران وجود دارد تا با خدای مقدس آشتی کنند! و آن راه کامل و بی نقص قربانی است.

شنوندگان عزیز، آیا می دانستید که کلام خدا در رابطه با قربانی مقدسی که خدا تدارک دیده تا بدهی گناه شما را بری همیشه تسویه کند چه می گوید؟ آیا می دانستید که خدا، خودش نجات دهنده قادر را به زمین فرستاد تا گناهانتان آمرزیده شود و دلهایتان در حضور خدا پاک شود؟ در درس آینده، در مورد این نجات دهنده عالی بیشتر صحبت خواهیم کرد. کتاب مقدس درباره او می گوید: «در هیچ کس غیر از او نجات نیست زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم.» (اعمال ۴: ۱۲)

دوستان، برنامه ما به پایان رسیده است. به یاری خدا، در جلسه آینده بطور کامل در مورد قائن و هابیل خواهیم خواند.

خدا به شما برکت دهد، فرصت را غنیمت بدانید و در مورد شریعت بنیادین خدا تفکر کنید، شریعتی که می گوید:

«بدون ریختن خون، آمرزش نیست.» (عبرانیان ۹: ۲۲)